

دیوان رشیدالدین وطواط

مقدمه، مقابله و تصحیح

استاد سعید نفیسی

به اهتمام

حدایق السحر فی غایت الشعر

به اهتمام

عبدالکریم حبر بزه دار



انشارات اساطیر

سرشناسه: رشید و طواط، محمد بن محمد، ۹۴۸۰ - ۹۵۷۳ ق.
عنوان و نام پدیدآورنده: دیوان رشیدالدین و طواط: به انضمام حدایق السحر فی دقایق الشعر؛
مقدمه، مقابله و تصحیح سعید نفیسی؛ به اهتمام عبدالکریم جریزه دار.
مشخصات نشر: تهران: اساطیر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۷۹۲ ص (انتشارات اساطیر، ۶۰۴)
شابک: 5 - 537 - 331 - 964 - 978 ISBN

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیما
موضوع: شعر فارسی -- قرن ۶ ق.
موضوع: فارسی -- فن شعر.
موضوع: فارسی -- بدیع.
نامانه افزوده: نفیسی، سعید، ۱۲۷۴ - ۱۳۴۵، مصحح.
شماره افزوده: جریزه دار، عبدالکریم، ۱۳۳۰ -
رده بندی کنگره: PIR۴۹۰۴
رده بندی دیسی: ۸۱ / ۲۳
شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۷۷۶۰۰

قیمت: ۱۶۰,۰۰۰ تومان



انتشارات اساطیر

دیوان رشیدالدین و طواط

به انضمام حدایق السحر فی دقایق الشعر
مقدمه، مقابله و تصحیح: استاد سعید نفیسی
به اهتمام: عبدالکریم جریزه دار

چاپ اول: ۱۳۹۸

لیتوگرافی: طیف نگار

چاپ: دیبا

خطاطی روی جلد: کاوه اخوین

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

شابک: ۵ - ۵۳۷ - ۳۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

دفتر مرکزی: میدان فردوسی، ابتدای ایرانشهر، ساختمان ۱۰ (پلاک ۸ جدید)

نمایشگاه کتاب اساطیر: کریمخان، بین ایرانشهر و ماهشهر، پلاک ۱۲۸

تلفن: ۸۸۲۱۴۷۳ - ۸۸۳۰۱۴۸ - ۸۸۳۰۱۹۸۵

سخن ناشر

استاد عبد نفیسی (۱۲۷۴-۱۳۴۵ ش)، فرزانه مرد ادب ایران زمین که به راستی عاشق میهنش بود و عمر پربار خود را صرف هرچه بارورتر شدن فرهنگ و ادب ایرانی کرد، در واقع یکی از وارثان شایسته میراث عظیم و گرانقدر فرهنگی و ادبی گذشته این مرز و بوم و ایرانیان استمرار و بقای آن در نسلهای آینده است.

نفیسی چهل سال تدریس کرد و پنجاه سال نوشت. به تحقیق و پژوهش و تألیف و ترجمه پرداخت. به اطراف و اکناف عالم سفر کرد. در دانشگاههای کشورهای مختلف جهان تدریس کرد. در سمینارها و کنگره‌های بی شمار شرکت کرد. و به هر جا که قدم گذاشت ایرانشناسی را رنگ و بویی تازه داد و از آن جا ارمغانهای فرهنگی با خود آورد که به غنای هرچه افزون‌تر و آملایی هرچه بیشتر با میراث مکتوب نیاکانمان انجامید.

کارنامه پُربار و بار استاد به راستی شگفت‌انگیز است. بود و کرد و هیچ پژوهشگر ایرانی از حیث کثرت آثار و تنوع و گستردگی مطالب با او قابل قیاس نیست. دایره توجهات او آنقدر وسیع و متنوع و نوشته‌هایش آن چنان عمیق و فراوان است که چندین کتاب باید نوشت تا بتوان فعالیت‌های همه جانبه او را چنان توصیف کرد که ارزش سهم عظیم او در پیشبرد ادب معاصر ایران آشکار شود.

بدون اغراق او تمامی توش و توان و استعداد خود را وقف خدمت به ایران و فرهنگ ایرانی کرد و فعالیت‌های علمی و ادبی و خصوصاً تدریس او در طول سالیان متمادی وسیله‌ای برای پرورش گروهی فراوان از استادان و پژوهشگران نسل معاصر امروز بوده است و این مهم را استاد ایرج افشار چه باشکوه و شورانگیز در

مقاله‌ای که در شرح حال و آثار استاد سعید نفیسی نوشته است به رشته تحریر کشیده است.^۱

آثار استاد سعید نفیسی یا به صورت کتابهای منفرد و مستقلی هستند که بسیاری از آنها امروزه نایاب و دست‌نیافتنی‌اند و یا به صورت مقالات و نوشته‌های پراکنده که از ۱۲۹۰ شمسی در نشریات و جراید ایران به چاپ رسیده‌اند و غیرقابل تصور است که بتوان درباره تاریخ و ادبیات کهن فارسی و اندیشه‌های اجتماعی و ادبیات معاصر ایران بدون مراجعه به آثار او تحقیقی علمی به عمل آورد.

در بررسی نبودن این آثار و نیاز دانش‌پژوهان و محققان به این مآخذ سبب شد که انتشارات اساطیر تجدید چاپ و احیای آنها را در حد مقدورات و به بهترین شکل ممکن به دستور کار خود قرار دهد، تا باز هم ارمغانی دیگر به دوستداران و عاشقان فرهنگ ایرانی تقدیم کند. اینک شما و دیوان رشیدالدین و طواط.

درباره رشیدالدین و طواط که از شاعران بزرگ و ادیبان معروف قرن ششم هجری است و آثار و اشعار او، آنچه باید گفت، استاد سعید نفیسی در مقدمه جامع خود بر دیوان آورده است و این به اندازه کافی به نکته‌ای هرچند تکراری اشاره کنم که تخلص رشید به و طواط به مناسبت کوچکی - نه و مشابهت او به و طواط (خفاش) است که پرندۀ کوچکی است.

استاد سعید نفیسی در صفحه پنجاه و چهار مقدمه بر *دیوان انوری* که آن را در چهاردهم اسفند ۱۳۳۷ نوشته است، می‌گوید:

«در تهیه متن این کتاب اصولی را که در مقابله اینک بسیار رایج شده و من به کلی ناروا می‌دانم، عمداً ترک کرده‌ام. خاورشناسان در تهیه و طبع رشتن متون فارسی عادت دارند هر نسخه بدلی را هرچند هم نادرست و سفیهانه باشد، در پای صحایف نقل کنند و بیهوده بر حجم کتاب و سرگردانی خواننده بیفزایند.

شاید ایشان درین زیاده‌روی حق داشته باشند زیرا که فارسی زبان مادری ایشان

۱. این مقاله با کسب اجازه از جناب استاد ایرج افشار در ابتدای کتاب *سرچشمه تصوف* در ایران آورده شده است.

نیست و هنگامی که به اختلاف نسخه‌ای برمی‌خورند، تردید دارند کدام را درست‌تر بدانند و اختیار کنند و نادرست را رها کنند. اما ایرانی فارسی زبان که این زبان را از مادر فرامی‌گیرد، باید در تهیه متن کتاب اجتهاد بکند و در برابر چند نسخه مختلف یکی را که علم و ممارست و طبع سلیم وی برمی‌گزیند اختیار کند و بازگو و تکرار خطاهای کاتبان گذشته هرچند هم که به عصر گوینده بیش از دیگران نزدیک باشند، کار بیهوده‌ایست که شاید یگانه فایده آن خیره کردن خواننده باشد که بخواهند به او درجه امانت و دقت و دلسوزی و پشتکار خود را نشان بدهند.

به عقیده من ضبط نسخه بدلها درین موارد کار بیهوده ناروایی است. از دو حال خارج نیست: یا ناشد کتاب [مصحح] اهل فن نیست و از زبان دوره‌ای که آن کتاب در آن نوشته شده بی‌خبر است، چنین کسی باید حتماً از چنین دلیری و گستاخی چشم‌پوشد و پیرامون این کار نمی‌نگردد. یا آن که مرد دانای آگاهی است که زبان عصر آن کتاب را می‌داند و می‌تواند حکامی که به چند نسخه مختلف برمی‌خورد، به قطع و یقین آن را که درست‌تر است انتخاب کند و خطاهای دیگران را نادیده بگیرد و در نقل آنها خود و دیگران را گرفتار نکند. مخصوصاً تصحیح اشعار آگاهی کامل از زبان هر شاعری و انسی که وی به کلمات و ترکیبات و اصطلاحات داشته است، لازم‌تر از هر چیزی است. وانگهی پیش و پس کلمه و کلمه و مناسباتی که با معنی شعر دارد و لطایف و صنایعی که متکی به این کلمات است، خود بهترین راهنما در تصحیح شعر است و اگر هم همه نسخه‌ها نادرست باشد، مصحح می‌تواند و باید کلمه درست را از ذهن خود و انس و عادت خود و عرف زبان بدست آورد و به جای کلمه نادرست بگذارد.

به همین جهت من در تهیه متن این کتاب به هیچ وجه رعایت نسخه بدل نکردم و ضبط آنها را زائد و عبث دانستم و عمداً آنها را ترک کردم و عقیده دارم کسی که شعرشناس نیست و طبع شعر ندارد و هرگز درین فن وارد نشده است، حق تصحیح و مقابله و چاپ کردن اشعار، مخصوصاً اشعار قدما را ندارد.

خود می‌دانم که در متن این کتاب برخی نادرستی‌ها راه یافته است و آن در مواردی بود که آگاهی و ممارست و تجارب من نتوانست مرا راهنمایی کند که در

تصحیح آن بکوشم و ناچار آن کلمه را به همان شکل که در معتبرترین نسخه‌ها یافتم، باقی گذاشتم...».

و بدین طریق چگونگی نگرش و شیوه کار خود را در تصحیح دیوان انوری شرح می‌دهد که همان طریقی است که در تصحیح دیوان رشید و طوطا و دیگر متون تصحیح خود به کار برده است و برای مزید فایده پژوهندگان ادب فارسی آورده شد.

دیوان رشید در آذر ۱۳۳۹ شمسی توسط کتابخانه بارانی انتشار یافت. و به حق صاحب این کتابخانه بارانی هم جگر داشته است که در آن روزگار چنین کتابهایی چاپ می‌کرده است و نگاهی به عناوین برخی از کتابهایش در آخرین صفحه همین کتاب گویای شوق و زنگنه او در خدمت به این خاک پاک اهورایی و فرهنگ و تمدن آریایی است. و خود استاد احمد سهیلی خوانساری در مقاله‌ای تحت عنوان: «علی اکبر دهخدا و حاجی حسین آقا ملک» که از او در مجله آینده سال ششم (۱۳۵۹) چاپ شده است در پیوسته شماره ۲ مقاله در صفحه ۲۳۱ در معرفی صاحب کتابخانه بارانی می‌گوید: «میرزا علی صفر در سال ۱۳۰۶ کار کتابفروشی دوره‌گردی می‌کرد. میرزا عبدالله ممتاز به او نیز کتابفروش دوره‌گرد بود، که سواد داشت و کتاب خطی می‌شناخت و او را راهنمایی می‌کرد. بعد ولی سرمایه پیدا کرد و در خیابان شاه‌آباد کتابفروشی بارانی را باز کرد و تا چند سال قبل با بی‌سوادی کتابفروشی می‌کرد» و همین بی‌سوادی میرزا علی صفر به رساند که جیگر داشتن، عشق ورزیدن و با معرفت بودن ربطی به سواد ندارد و بی‌سوادهای بسیاری بوده‌اند، صاحب دل و عشق و معرفت، و با سوادهای بسیار دیگر که بوئی از دل و عشق و معرفت نبرده‌اند. خدایش بیامرز که مُرد، اما با کارنامه‌ای که گذاشت، نیست نشد.

باری، دیوان رشید پس از سالیانی چند، نسخ چاپی آن به اتمام رسید و اینک که قریب شصت سال از زمان انتشار آن می‌گذرد، بیش از چهل سال است که چونان کبریت احمر نایاب است و از دسترس اهل ادب به دور. و نیاز پژوهشگران و دوستداران ادب پارسی به آن محسوس. و حقیر با درک این نیاز و برای پاسخگویی

به آن اقدام به بازچاپ آن نمود، با این توضیح که:

۱. از صفحه ۱۴۵ تا صفحه ۱۶۰ شماره صفحات به اشتباه ۱۴۰ تا ۱۶۴ شده

بود که اصلاح گردید.

۲. از صفحه ۷۳۲ تا ۷۳۷ غلطنامه مفصل چاپی بود بالغ بر ۲۰۰ مورد که آنها

هم همگی اصلاح و آن صفحات حذف گردید.

۳. تا جایی که به چشم آمد غلطهای مطبعی متن هم که در غلطنامه نبود،

اصلاح شد.

۴. شکستگی حروف آن تا آن جا که می شد، گرفته شد.

و جزین هیچ سرفه و ترفنی در متن نشده است و تکرار می کنم بازچاپ همان چاپ ۱۳۳۹ شده است که درین زمانه خوش حال و روز کتاب تقدیم شیفتگان ادب فارسی می شود.

این نکته بی اهمیت ناچار اسم نیست گفته آید که با توجه به جمعیت ایران و تعداد باسوادان در ۱۳۳۹ شمسی در آن رشید در شمارگان ۱۵۰۰ نسخه انتشار یافت و اکنون بعد از گذشت شش دهه چاپ نخستین آن و افزونی جمعیت و خیل عظیم فضلا و باسوادان دانش پژوه در ۵۵۰ نسخه به حلیه طبع آراسته شد.

بگذریم، خدای را بسیار بسیار سپاسگزارم که بنیت را شد و توانستم قدم دیگری هرچند کوچک در احیای میراث مکتوب بیاکان از پندمان بردارم. و این هم تحفه دیگریست به اهل فضل و ادب. تا چه قبول افتد. در نظر آید.

عبدالکریم جریه‌ار

۲:۳۰ بامداد پنجشنبه ۱۳۹۸/۴/۲۰

۱. این قضیه بازچاپ هم از آن تکالیف سختی است که استادان گرانقدر ایرج افشار، کیکاوس جهاننداری، بهمن سرکاراتی، کامران فانی، علی اشرف صادقی، سیدفرید قاسمی و جمشید کیانفر به گردن این حقیر گذاشته اند که مرارتی است پُر از حرف و حدیث. که به شرط بقای عمر و دماغ، در جای خود مفصل بدان خواهم پرداخت.